کارگران جهان متحد شوید!

پیکار

(۱۱۷)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

سال سوم- دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۰

بها ۲۰ ریال

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی ناقوس مرگ رژیم را می نوازد

توضیح:

کارگران وزحمتکشان ! این مقاله قبل از ترور "باهنر" نوشته شده است ، اما علیرغم اینکه "باهنر" منفورتر و رکردید ، برنامه ارائه شده توسط اوکماکان بقوت خود باقی است ، برنامه دولت "باهنر" اساسا همان برنامه دولت "کنی" خواهد بود .

برنامه دولت "باهنر": برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست!

دروغ پشت دروغ!

درزمان قیام ، هنگامی که خمینی وسایر سردمداران رژیم درپی آن بودند تا برخیش توده ها سوار شده و انقلاب را درنیمه راه متوقف سازند ، هنگامی که خمینی وسایر رهبران مکتبی ولیبرال از قیام پیروزمند توده ها وحشت داشته وبا تمام قوا میکوشیدند تا از نابودی سیستم سرمایه داری وابسته جلوگیری کنند ، توده های مردم با وعده ووعیدهای بیشماری روبرو بودند . خمینی وشرکای دور قهرداز ش به کارگران وسایر توده ها می گفتند : مسکن فراهم می نمائیم ، آب وبرق مجانی میدهیم ، کار وشغل تامین میکنیم ، گرانی وتورم را از بین میبریم ، سرمایه داران را نابود میکنیم وبالاخره برای زحمتکشان یک زندگی عادلانه مهیا می نمائیم . خمینی در بهشت زهرا گفت : ما مثل دیگران وعده نمی دهیم ما عمل میکنیم .

بقیه در صفحه ۲

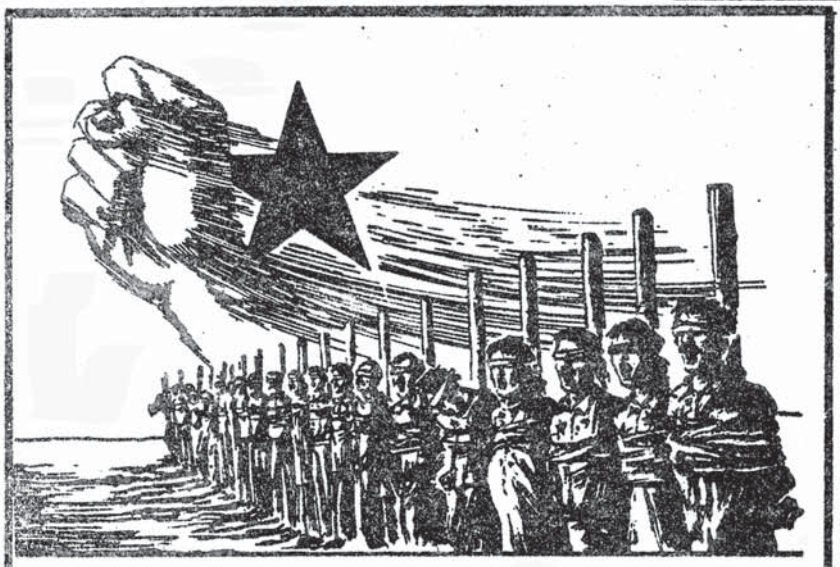

"بگذار پرولتاریا به خود بجنبد ، از شدت خشم به سرحد جنون برسد ، شورش را درآورد ، مجازات بکشد ، پیش از وقت از بلشویکها انتقام بگیرد و بکوشد تا صدها وهزارها وصدها هزارتن از بلشویکهای دیروزی با بلشویکهای فردا را زیاد تر بکشد (در هندوستان ، مجارستان ، آلمان وغیره) : پرولتاریا با این رفتار خود همان کاری را میکند که کلیه طبقات از طرف تاریخ به مرگ محکوم شده میکردند . کمونیستها باید بدانند که آینده بهرحال از آن آنهاست ولذا ما میتوانیم (و موظفیم) شور عظیم خود را در مبارزه عظیم انقلابی با خونسردانه ترین وهشیارانه ترین حساب روی تقلاهای دیوانه وار بورژوازی شرام سازیم . انقلاب روس را در سال ۱۹۰۵ بیرحمانه درهم شکستند ، بلشویکهای روس را در ژوئیه سال ۱۹۱۷ در هم شکستند ، بیش از ۱۵ هزارتن از کمونیستهای آلمانی را شاید مان وتوسکه با اتفاق بورژوازی و ژنرال های سلطنت طلب از راه مفسده جوئی ماهرانه وماتورهای زبردستانه قتل عام نمودند . در فنلاند و مجارستان ترور سفید پیدا میکند ولی در کلیه موارد و در همه کشورها کمونیسم آینده میتود و رشد می نماید . ریشه های آن بحدی عمیق است که پیکردها آنرا ضعیف ونا توان نمیسازد ، بلکه تقویتش می نمایند .

(لنین: "سیماء کودکی (چپ روی) کمونیسم")

شیادی طبقات استثمارگر در استفاده از جهل وعقب ماندگی توده ها

اگر مدعی شویم که در تمام طول تاریخ جامعه طبقاتی ، جهل وعقب ماندگی ، خرافات واعتقادات ماورا - الطبیعه ، توده ها ، موثرترین وسیله حاکمیت استثمارگران وتوانگران ، بر زحمتکشان بوده است ، مخبر بگزاف نگفته ایم ، برای به انقیاد درآوردن توده ها هیچ چیز موثرتر از این نیست که اطاعت و بردگی جزء اعتقاد آنان شده واهکار وبا ورها یشان به اسارت گرفته شوند . در این صورت آنان نه تنها بره - وار تسلیم توانگران میشوند بلکه همچون بردگان برای حاکمیت اربابان وخداوندان "ثروت" شمشیر خواهند کشید ، برای یک سرمایه دار ومرتجع چه بهتر از این که یک کارگر وزحمتکش شب وروز جان بکند ، شمره کارش را صاحبان سرمایه بدزدند وسپس کارگر مزدور این جسان کندن وآن غارت سرمایه دار را قضا وقدر وسرنوشت الهی دانسته وطغیان علیه آن را طغیان علیه خداوند بدانند . وبرای یک استثمارگر چه بهتر از این که یک زحمتکش ما با زاء تمامی اطاعت ها وبندگیش را در این دنیا ، در بهشت موعود جستجو نموده وبا زاء اطاعت و بندگی اش در انتظار این بهشت موعود بمیرد . آیا چیزی مطبوع تر از این برای یک دولت استثمارگر وجود دارد که کارگران وزحمتکشان حاکمیت این دولت را حاکمیت یک نیروی غیبی که بر تمام کائنات گذشته وآینده جهان مسلط است ، بدانند واطاعت وبندگیش را از حکومت اطاعت وبندگی از آن نیروی غیبی

بقیه در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

برنامه دولت "باهنر": برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست!

اما توده‌ها باید به چشم خود میدیدند که رژیم خمینی هرگز قادر نیست حتی یک قدم در راه منافع زحمتکشان حرکت کند. توده‌ها باید تجربه میکردند که خمینی نیز مثل شاه خائن به زحمتکشان وعده میدهد اما در جهت منافع سرمایه‌داران خونخوار عمل میکند. بعد از قیام خمینی خائن و سایر سردمداران رژیم به توده‌ها گفتند: دولت موقت یا زرگان "دولت الهی" است و برای مردم سعادت و خوشبختی به ارمغان می آورد. اما گذشت زمان و عمیق‌تر شدن فقر و فلاکت توده‌ها نشان داد که "دولت الهی" یا زرگان، حامی سرمایه‌داران و امپریالیستها است. هشت دولت یا زرگان خائن پیاز شد و یا زرگان به کنار رفت. خمینی و سایر رهبران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی فریبکاری دیگری را شروع کردند. آنها گفتند: بدلیل ادامه فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری اینست که کشور و رئیس جمهور ندارد. سپس همه نگاها را به جانب خمینی برسر کار آمد. بنی صدر میگفت: من بزودی اقتصاد اسلامی را برقرار میکنم و مستضعفان را خوشبخت می نمایم. اما بزودی معلوم شد که اقتصاد اسلامی بنی صدر، اقتصاد فقر و گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان است و بنی صدر ضد انقلابی حزب سازی سرمایه‌داری وابسته کار دیگری نمیتواند انجام دهد و تمام وعده‌های او پوچ و عوامفریبانه است. بعد از مدتی دیگر سران فریبکار جمهوری اسلامی نغمه‌ای دیگر سر کردند. آنها علت عدم موفقیت رژیم در بهبود نبخشیدن به وضع زحمتکشان را فقدان دولت نامیدند. آنها گفتند: اگر دولتی مکتبی برسر کار آید همه مشکلات حل خواهد شد.

دولت مکتبی رجائی مرتجع برسر کار آمد. بنی صدر لیبرال و رجائی مکتبی دست بدست هم دادند تا با اصطلاح "مستضعفان" را به سعادت برسانند! اما زندگی توده‌ها به آنها نشان داد سعادتی که امثال بنی صدر و رجائی میخواهند برایشان به ارمغان آورند جز گرسنگی بیشتر، گرانی بیشتر و سرکوب بیشتر چیز دیگری نیست و تمام وعده‌ها و وعیدهای رئیس جمهور و نخست وزیرش فقط حرفهای پوچ و ضد انقلابی است. زمان گذشت، جنگ قدرت میان حزب جمهوری و لیبرالها بالاخره به طرد لیبرالها و حذف بنی صدر از ریاست جمهوری انجامید. خمینی و سردمداران حزبی که می‌دیدند نفرت و انزجار از رژیم سراپای کارگران و زحمتکشان را فرا گرفته است و هر آن احتمال دارد این نفرت به آتش فروزانی تبدیل شود که کل رژیم را در لهیب خود بسوزاند، تبلیغات عظیم جدیدی براه انداختند. خمینی جلاد و بهشتی ها و خامنه‌ای ها و رفسنجانی های جنایتکار و تمام دستگاههای تبلیغاتی جمعیت از "انقلاب سوم" و "سرآغاز حاکمیت مستضعفان" نمودند. آنها که خود در کنار لیبرالها در همه جنایات و خیانت ها دست داشته و از مسببین اصلی فقر و گرسنگی توده‌ها بودند چنین وانمود ساختند که علت عدم بهبود شرایط زندگی توده‌های بیتمدیده تا کنون وجود لیبرالها در حکومت بوده است. آنها فریبکارانه کوشیدند تا به توده‌ها بگویند که مکتبی ها "فرشته نجات" بوده و فقط لیبرالها عامل بدبختی و سیه روزی مردم بوده‌اند! حال آنکه واقعیت اینست عامل فلاکت توده‌ها کل رژیم طبقاتی حاکم و همه جناحها از قبیل لیبرلها، حزبیها و خمینی ها بوده‌اند. در پی این تبلیغات ضد انقلابی رژیم خیمه شب بازی انتخابات ریاست جمهوری را براه انداخت و با تقلبات و ریاکاری بیسابقه و نیز با ارعاب و سرکوب، رجائی مرتجع و کودن را به ریاست جمهوری و سپس "باهنر" دینرکل حزب جمهوری را به سمت نخست وزیری انتخاب نمود. و تمام سردمداران فریبکار رژیم در پی وگزنا دمیه‌ندکه لیبرالها رفتند. مکتبی ها آمدند و اینک تا قوس "سعادت و خوشبختی" توده‌ها بعد از آمده و "بهشت موعود مستضعفان" مزار شده و "حکومت اسلام" مستقر گردیده است.

امروز رژیم جمهوری اسلامی که همان حکومت اسلام و سرمایه‌داران است به زور سرنیزه و ادارو برنامه‌های مکتبی ارتجاعی خود می خواهد با اصطلاح خوشبختی برای توده‌ها به ارمغان آورد! چه دروغ و فریبکاری بزرگی! مگر حکومت سرمایه‌داران میتواند در راه منافع کارگران و زحمتکشان عمل کند؟ مگر حکومت جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیم از حاکمیت خودنشان نداده است که به زحمتکشان گرسنگی و تیرباران میدهد و برای سرمایه‌داران و "تجار محترم" خونخوار سودهای کلان به ارمغان می آورد؟ آیا در طول دو سال و نیم مشت رسوای خمینی خونخوار و دیگر مرتجعین حاکم و تمام دروغهای بیشرمانه آنان برملا نگشته است؟ آری، دورغ پشت دروغ! اینست منطق رژیم حاکم!

امروز دولت ارتجاعی "باهنر" برنامه‌ای را شه نموده و مطرح ساخته که برپایه این برنامه "وابستگی به امپریالیسم بطور قطع خاتمه می یابد"، "اقتصاد بدون استثمار شکوفا میشود" و "عدالت اجتماعی به نفع توده‌های ستمکش" تامین خواهد شد. اما برای اینکه نشان دهیم ما نمیگذشته رژیم با زهم دروغ میگوید و فریبکاری میکند، اما برای اینکه نشان دهیم برنامه‌های رژیم ما تنها همیشه در خدمت سرمایه‌داران و برضد زحمتکشان است، اما برای اینکه اثبات کنیم برنامه‌های رژیم آنجا که از منافع مردم و مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری حرف میزند جز دروغ و نیرنگ چیز دیگری نیست، برنامه دولت "باهنر" را به نقد میکشیم تا ماهیت ارتجاعی و فریبکارانه آنرا در پیش توده‌ها افشا نماییم.

برنامه باهنر: برنامه ورشکستگی رژیم

"باهنر" در توضیح برنامه دولت میگوید این برنامه "زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های امت بپا خاسته ایران در جهت رفع کامل وابستگی" تامین می نماید و بعلاوه "دولت سعی میکند زمینه لازم در جهت رفع شبهات نارواو ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم بخصوص طبقه مستضعف فراهم سازد" (کیهان ۲۶ مرداد ۶۰) برای اینکه نشان دهیم چقدر این حرفها بی‌اساس بوده و رژیم بنا به ماهیت ارتجاعی خود قادر به انجام چنین اموری نمی باشد نگاهی کوتاه به سیمای اقتصاد ایران می اندازیم. واقعیت اقتصاد امروز ایران حاکی از آنست که نه تنها اهداف برنامه "باهنر" پوچ و عوامفریبانه است بلکه بعلاوه بحران عمیقی که امروز سراپای اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران را فرا گرفته است زرفتر میگردد و حرفها و برنامه‌های رژیم بدون پایه و اساس است.

در یک رژیم سرمایه‌داری "رفع کامل وابستگی" و "ایجاد امکانات عادلانه" تزویر و دروغی بیش نیست. امروز در عصر امپریالیسم هیچ سرمایه‌داری و از جمله سرمایه‌داری حاکم در ایران نمی تواند مستقل از سرمایه بین المللی به حیات خود ادامه دهد و بعلاوه در جامعه‌ای که عینی بر استثمار یک طبقه توسط طبقه دیگر و قدرت در دست سرمایه‌داران است هرگز "امکانات عادلانه" بنفع توده‌های زحمتکش نمیتواند وجود داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی که با سد رسیستم سرمایه‌داری گره خورده و وابسته ایران است، نه می‌تواند مستقل از امپریالیسم به زندگی تکیت با رخود ادامه دهد و نه میتواند "امکانات عادلانه" در جهت منافع کارگران، دهقانان و سایر ستمدیدگان بوجود آورد. بعلاوه این مسئله اساسی را باید در نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی میراث خوار رژیم سرمایه‌داری وابسته و بحران زده شاه خائن است. سیستم سرمایه‌داری ایران که در زمان شاه به بحران شدید اقتصادی دچار گردید در زمان جمهوری اسلامی گماکان نه تنها بحران عمیق خود را حفظ نمود، بلکه بعلاوه این بحران را در ابعاد وسیع و بیسابقه‌ای تداوم بخشید و حال هنگامی که ما به ماهیت بورژوائی رژیم حاکم توجه نماییم و ابعاد هنجار بحران موجود را دریابیم به آسانی میتوانیم عمق دروغین وعده و وعیدهای دولت "باهنر" را تشخیص دهیم. و یا لااقل وقتی متوجه شویم که بودجه دولت که برپایه آن برنامه‌ها استوار میشود تا چه میزان ورشکسته است، شکست برنامه دولت را از همین حال حاضر میتوان مشاهده کرد.

اقتصاد کنونی ایران اقتصادی وابسته و شکننده است، بنحوی که ۷۲٪ از کل درآمدهای بودجه سال ۱۳۶۰ را درآمد نفت تشکیل میدهد. در بودجه امسال دریافتها از بانک مرکزی و درآمدهای مالیاتی، میزان ۳۳ میلیارد دلار (۲۴۱۱ میلیارد

←

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ریال) از محل درآمد فروش نفت در نظر گرفته شده است. به معنای دیگر آنچنان تولیدات داخلی دچار بحران و ورشکستگی میباشند که رژیم حاکم مجبور است ۷۷ درصد از درآمد بودجه را متکی به فروش نفت کند. البته تحقق همین هدف کارآسانی نیست. زیرا تامین این مبلغ مشروط به تولید و فروش ۳/۵ میلیون بشکه در بازارجهانی نفت توسط ایران میباشد. حال آنکه با توجه به وضعیت بازار نفت و مخصوص نقش عربستان سعودی این میزان از فروش قابل تامین نیست. امروز عربستان با ۱۱ تا ۱۴ میلیون بشکه و با ارزان‌ترین قیمت (۲۴ دلار در مقابل هر بشکه) بازار فروش جهانی را اشباع نموده است و به همین خاطر کارتلهای بین المللی نفت آنها به خرید نفت از رژیم سر میزده عربستان اتکا خواهند نمود. و بنابراین رژیم ارتجاعی خمینی قادر به فروش ۳/۵ میلیون بشکه نخواهد شد. در واقع اگر چنانچه وضعیت بازار نفت به صورت فعلی ثابت بماند ایران تنها ۲/۵ میلیون بشکه میتواند بفروش برساند. و در اینجاست که ما متوجه میشویم رکن اساسی درآمد بودجه رژیم جمهوری اسلامی دستخوش کسری قابل توجهی میباشد. کمبود ارز برای اقتصاد تک ساحه و وابسته ایران امروز به عامل شکننده و بسیار مهمی تبدیل شده است و بودجه دولت "با هنر" با کسری فزاینده پرداخت نقدی مواجه خواهد بود.

البته این مسئله یک بعد از قضیه است. به عنوان مثال ما بدگفت اگر چنانچه بفرض ۳۲۰ میلیارد دلار از محل فروش نفت تامین گردد، رژیم طبق بودجه دولت ۲۰ میلیارد دلار از مبلغ فوق را صرف خرید کالا از کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و سایر رژیمهای ارتجاعی خواهد نمود. اما از آنجا که رژیم قادر نیست ارز مورد نیاز خود را از محل فروش نفت تامین نماید بدینگاه کز بزمه در بافت وام بیشتر از بانک مرکزی روی می آورد. لازم به یادآوری است که بدهی دولت در سال ۱۳۵۸ به بانک مرکزی به میزان ۱۴۲۴ میلیارد ریال بالغ میشود. این بدهی در سال ۵۹ به میزان ۲۶۳۴ میلیارد ریال اضافه گردیده است. (۸۵ درصد افزایش) و پر واضح است که در بودجه امسال (۱۳۶۰) بدهی دولت به بانک مرکزی ابعاد بسیار مفاهی بخود خواهد گرفت. و این امر بیان مشخص ورشکستگی اقتصاد رژیم بوده و روشن است که این ارز بدون پشتوانه، تورم گسترده‌تری را دامن خواهد زد. بدین ترتیب رژیم برای مقابله با کمبود ارزی نه تنها به اخذ وام بیشتر روی آورده و در نتیجه تورم و گرانی را دامن میزند، بلکه بعلاوه از طریق اخذ مالیاتهای سنگین بیش از هر زمان دیگر به کارگران و زحمتکشان فشار خواهد آورد. در بودجه ۶۰ درآمد مالیاتی دولت مبلغ ۵۴۴ میلیارد ریال پیش بینی شده است و روشن است که سهم اساسی این مبلغ از طریق اخذ مالیاتهای غیر مستقیم که فشار اصلی آن بر دوش زحمتکشان است تامین خواهد شد. در سال گذشته سرمایه‌داران و تجار بعضی همان کسانی که در نظر خمینی جلاد "محترم" می باشند ۱۲۰ میلیارد تومان سود بردند، حال آنکه امسال فقط ۳/۵ میلیارد تومان مالیات پرداختند. در مقابل رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مبلغ اصلی درآمد مالیاتی خود را از محل مالیاتهای غیر مستقیم تامین نمود. در سال آینده فشار برای اخذ مالیات از زحمتکشان شدیدتر خواهد شود. حال آنکه سرمایه‌داران به میزان سازهم کمتری نسبت به سال قبل مالیات پرداخت خواهند نمود. زیرا رژیم جمهوری اسلامی در پی سامان دادن به وضع ورشکسته اقتصادی سرمایه‌داری وابسته است و خواهان افزایش تولید و سود سرمایه‌داران است. به همین منظور "با هنر" مرتجع در برنامه خود از یکسو از تشدید سرکوب فاشیستی در کارخانه محبت میکند و اسم آنرا "ایجاد تنظیم انقلابی در واحدهای تولیدی جهت بالا بردن سطح تولید" میگذارد و از سوی دیگر محبت از "ایجاد انگیزه برای جلب سرمایه‌های خصوصی در بخش کشاورزی از طریق بخشودگیهای مالیاتی" و در دسترس قرار دادن عوامل تولید" میکند و اعلام مینماید که برای سرمایه‌داران "روش‌های مناسب در تهیه مواد اولیه" اتخاذ می نماید و قول میدهد که "کمک و تشویق صنعتگران" از جانب دولت حتمی خواهد بود. (رجوع شود به برنامه دولت).

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که سود حاصله اقتصادی رژیم یک بودجه ورشکسته و وابسته است و به همین لحاظ، با هماهنگ در نیست برنامه‌ای را پیاده کند تا وابستگی را از میان بردارد. نمی توان سلطه سرمایه‌داری را محفوظ داشت و در عین حال وابستگی را از بین برد. برای از بین بردن وابستگی باید رژیم سرمایه‌داری را ریشه‌کن نمود. بنابراین وقتی "با هنر" در برنامه خود از "رفع کامل وابستگی" صحبت میکند و برنامه ارتجاعی اش را در خدمت "ایجاد امکانات عادلانه" منتفع زحمتکشان ارزیابی میکند ما به عمق دروغپردازیهای این نماینده مکتبی سرمایه‌داران پی میبریم. در حقیقت با توجه به عمق بحران ساختی موجود و نیز ماهیت طبقه حاکم و عقب ماندگیهای سیاسی فرهنگی آن رژیم جمهوری اسلامی نه تنها نمی تواند یک قدم در راه منافع زحمتکشان بردارد بلکه حتی قادر نیست بحران اقتصادی سرمایه‌داری حاکم را تخفیف دهد. برنامه رژیمی که اقتصاد ورشکسته رژیم شاه را ورشکسته‌تر کرده، برنامه رژیمی که کشاورزی به انحطاط کشیده شده رژیم شاه را خراب‌تر نموده و برنامه رژیمی که استثمار و غارتگری زمان شاه را وسیعتر ساخته به حکم ماهیت طبقاتی خود هرگز نمی تواند یک اقتصاد بدون استثمار را برپا نماید. رجائی و دیگر سردمداران رژیم خود اعتراف می نماید: "برنامه‌های ما ادامه همان برنامه‌های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری برنامه پنجم رژیم گذشته هستیم" (میزان ۶۰/۳/۱۰) آری در حقیقت و براستی رژیم جمهوری اسلامی درهمان راهی به خلو میرود که رژیم شاه میرفت و برنامه "با هنر" درهمان خطی به پیش میرود که برنامه هویدا میرفت. برنامه "با هنر" برنامه استثمار و ورشکستگی است.

برنامه ارتجاعی دولت "با هنر" که ادامه برنامه بازرگان، یعنی مدرو رجائی است همان برنامه بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته است و هرگز نمی تواند برای زحمتکشان "رفاه و خوشبختی" به ارمغان آورد. این برنامه همانند برنامه‌های گذشته سرکوب بیشتر و فقر و فلاکت بیشتر برای طبقه کارگر و زحمتکشان بوجود می آورد. در بودجه ۱۳۶۰ دولت مبلغ ۳۲۰ میلیارد تومان بعنوان کل هزینه دولت در نظر گرفته شده است. هزینه دولتی خود به دو بخش تقسیم میشود:

۱- هزینه‌های عمرانی (ساختن راه و بندر و کارخانه و ...).

۲- هزینه‌های جاری (اداری، نظامی، پلیسی، ...)

برنامه باهنر: برنامه سرکوب انقلاب

وقتی به ترکیب هزینه‌های بودجه نگاهی می‌افکنیم متوجه میشویم که این بودجه و در پی آن برنامه دولت، بودجه و برنامه سرکوب و خفقان است. درحالیکه بودجه عمرانی به مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان میرسد، بودجه جاری یعنی بودجه دستگاه دولتی و سرکوب انقلاب به مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان بالغ میشود. البته نباید فراموش کرد که بطور حتم بخش دیگری از بودجه عمرانی بطور مستقیم و غیر مستقیم به بخش بودجه جاری انتقال خواهد یافت. بهرحال این مبلغ عظیم نشانگر اهداف ارتجاع حاکم در قبال جنبش توده‌ای و انقلاب میباشد. بعنوان مثال بودجه پلیس قضائی یعنی یکی از اجزای دستگاه ستمگری طبقه حاکم نسبت به سال قبل ۴۰٪ افزایش یافته است. افزایش این بودجه دقیقا در خدمت تحکیم قوه قضائیه و در جهت سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی است. بهشتی‌های مزدور و اردبیلی های جانی با تکا همین بودجه است که علیه انقلاب توطئه می چینند و کارگران و زحمتکشان را با تصویب لوایح ارتجاعی و از جمله لایحه سیاه قصاص مورد سرکوب قرار میدهند و احکام تیرباران کمونیستها و انقلابیون را صادر می نمایند اگرچه بخشی از بودجه هزینه‌های جاری به هزینه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و خرید اسلحه از امپریالیستها و رژیمهای دلال مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل اختصاص دارد. لیکن بخش اساسی آن در جهت تحکیم و گسترش ارگانهای سرکوب از قبیل پاسداران، بسیجی‌ها، حزب اللهی ها، ارتش، زندانها، دادگاهها و غیره بکار گرفته میشود. اوج گیری آتی انقلاب و وحشت رژیم تنها کارحاکم از رشد مبارزات طبقاتی و نارضایتی‌های عمیق توده‌ها سردمداران رژیم و دولت "با هنر" را بر آن داشته تا بودجه جاری را به بودجه زندان و سرکوب و قتل عام تبدیل نمایند. و دقیقا در همین رابطه "با هنر" فدائیان انقلابی در توضیح برنامه اش می‌گوید: "دولت مصمم است این حرکت تندا منیتی بر فسد گروهکهای وابسته به امریکا را ادامه دهد و برادران ما مصمم اند تا با کمبازی کامل محیط با ثبات و اجازه ندهند که مملکت ما به دست فدائیان بیفتد" (کیهان ۲۵ مرداد) و بی سبب نیست که اطلاعیه مشترک حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به صراحت و بطرزی فاشیستی بر سرکوب وحشیانه انقلاب تاکید دارد. آری یکی از هدفهای اساسی برنامه "با هنر" تشدید سرکوب فاشیستی انقلاب است.

برنامه باهنر: برنامه فقر و فلاکت توده‌ها

در کنار برنامه ریزی جهت سرکوب انقلاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی برنامه "با هنر" در خدمت تشدید فقر و فلاکت طبقه کارگر و سایر توده‌هاست. اگرچه "با هنر" مانند همه سردمداران رژیم محتوای برنامه دولت را "حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین" و "ویران ساختن تبعیض طبقاتی" میناید لیکن حقیقت اینستکه برنامه "با هنر" نه در خدمت "رفع تبعیضات ناروا" بلکه در جهت گرسنگی و فلاکت بیشتر توده‌هاست. برنامه دولت "با هنر" یک برنامه سراپا تورم زاست. این برنامه تورم و گرانی را تخفیف نداده بلکه بعوض، تورم و گرانی را با ابعاد وحشتناکی خواهد داد. اتخاذ سیاست درهای باز در مقابل کالاهای امپریالیستی و انتقال تورم جهان امپریالیستی به ایران، ویرانی تولید، گرفتن وامهای بدون پشتوانه (از بانک مرکزی) غارت محتکران، مالیاتهای سنگین دولتی و غیره تورم و گرانی را بسیار افزایش خواهد داد. در حال حاضر تورم آنچنان سنگین است که حتی نمایندگان حکومتی نیز ناچار به اعتراف میباشند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بنحوی که یکی از نمایندگان مجلس نرخ تورم را حدود ۳۰۰ درصد اعلام میکند (اطلاعات ۲ خرداد) البته این رقم نرخ واقعی تورم و گرانی را به نمایش نمی گذارد ولی همین مطلب بروشنی نشان میدهد در شرایطی که رژیم حاکم جمهوری اسلامی برای سال ۶۰ حداقل دستمزد کارگران را ۶۳۵ ریال تعیین نموده و این مبلغ همان حداقل دستمزد سال گذشته است، آری در این موقع ما درمی یابیم که چه فشار جانفرسائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را در خود میفشارد. دستمزد کارگر طی دو سال ثابت می ماند اما کالاهای مورد نیاز توده ها دهها و صدها برابر گرانتر میشود و در همین موقع سرمایه داران خون آشام سودهای کلان و سرسام آور به جیب میزنند. اینست عدالت اسلامی رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی! اینست "رفع تبعیضات ناروا" در جامعه ئی که خمینی ها بر آن حکومت میکنند برنامه دولت "باهنر" هرگز نمی تواند کوچکترین قدم در راه بهبودی وضع زحمتکشان بردارد. تمام اهداف این برنامه در خدمت فقر و فلاکت بیشتر توده هاست. همیشه سرمایه داران و استثمارگران به کارگران و توده های زحمتکش در برنامه های خود وعده و وعید میدهند، اما واقعیت زندگی زحمتکشان بطور روزمره به آنها نشان میدهد که این وعده و وعیدها پوچ و دروغ است و چیزی واقعی همان زندگی سیاهی است که سرمایه داران برای آنها بوجود آورده اند.

* * *

بدین ترتیب با توجه به آنچه گفته شد متوجه میشویم وقتی "باهنر" در برنامه خود صحبت از "رفع کامل وابستگی" میکند، وقتی صحبت از "خودکفا شدن" اقتصاد ایران می نماید، وقتی صحبت از ایجاد "صنایع مادر" می کند سلسله ایست دروغین از ایده ای پیش ساخته. برای برنامه ای که خود برنامه یک توده ورشکسته و وابسته است و از طرف هرگز نمی تواند به استقلال اقتصاد و صنایع کشور بیانجامد. برنامه دولت "باهنر" اگرچه میگوید و مدعی است که اقتصاد ایران را تحقیق دهد ولی به لحاظ عمق بحران و ماهیت سرمایه داران و عقب ماندگی رژیم حاکم قادر نیست اقتصاد حاکم را از ورشکستگی نجات بخشد و بلکه برعکس این برنامه تسلط امپریالیسم و قشرهای موجود را بسوی وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم سوق میدهد. برنامه ای که نتوانسته است با ماهیت طبقاتی خود اقتصاد یک کشور را مستقل نماید یا کوچکترین شرایط تعمیق وابستگی به سرمایه جهانی و یا بهتر بگویم بیاید. برای این اوضاع، برنامه دولت باهنر علیرغم شلیقات تبلیغاتی "حذف تبعیضات ناروا" فقط در خدمت سرمایه داران عمل کرده و جز تشدید فقر و فلاکت طبقه کارگر و سایر توده ها ارمغان دیگری نداشت و این برنامه با رهبری اقتصادی ماهیت خود فشار و استثمار را بر توده ها افزوده خواهد ساخت. با توجه به همین امر است که بورژوازی حاکم جهت جلوگیری از رشد اعتراضات و مبارزات از توسعه انقلاب به تنها اهرم خود یعنی سرکوب متمرکز و دیکتاتوری سیاه متوسل خواهند شد. برنامه "باهنر" فقر و فلاکت و سرکوب و حتی به حتی را وسیله تحقق خود قرار داده است.

برنامه رفرمهای ارتجاعی محکوم به شکست است

رژیم جمهوری اسلامی که در طی دو سال حاکمیت خود بسیار به ماهیت طبقاتی اش هرگز نتوانسته کوچکترین قدمی در راه رفاه توده های میلیونی بردارد اینک در پی آن برآمده با اطلاعاتی بیکار بنشیند. البته هدف اصلی رژیم از انجام این اطلاعات روشن است. رژیم جمهوری اسلامی در کنار سرکوب وحشیانه و مستمر کمیته در پی انجام اطلاعات و رفرمهائی میباشد تا بدین طریق بتواند انقلاب را برای مدتی طولانی به رکود بکشاند. بورژوازی میخواهد از یکسو با حمایت و نیرو و اعدام و زندان مسروقهای کمونیستی و انقلابی و توده های آگاه و صابر را خون کشیده و نابود سازد و بدین طریق مانع پیوند عمیق بین آگاه و توده ها گردد و از سوی دیگر با انجام برخی رفرمهای ارتجاعی توده ها را بفریبد تا توده و حمایت و پشتیبانی معنوی آنان را از کمونیستها و انقلابیون سلب کرده و بدین - طریق توده ها را در پشت سر خود جمع نماید. رژیم حاکم در پی به اصطلاح کشاندن انقلاب و تحکیم موقعیت متزلزل و پریشان خویش است. اما باید بیان داشت که رژیم سرمایه داری خمینی قادر به تحقق چنین امری نیست بحران سرمایه داری ایران یک بحران عمیق ساختی توده و رژیم و اساسه حاکم بلحاظ ماهیت خود و به لحاظ عقب ماندگی های فنون و سطائی خویش قادر به رفع این بحران نمی باشد علاوه محتوای اطلاعات مورد نظر سردمداران رژیم مرتبط از حیطه سیاسی و درونی فراتر به آنها آنچنان کم عمق و ضعیف است که قادر به تغییرات قابل توجهی در زندگی توده ها نمی - تواند باشد و در نتیجه قادر نیست توده های کارگر و دهقان و زحمتکشان شهری را در حمایت از رژیم ارتجاعی و مفتوح حاکم بسیج نماید.

اما بیینیم این اطلاعات کدامند؟ "باهنر" در توضیح برنامه دولت میگوید: "دولتی کردن بازرگانی خارجی بسرعت تحقق خواهد یافت و بتدریج اجرا میگردد و مسئله مسکن، زمین، اراضی کشاورزی و تقسیم اراضی بسرامند داریم با همکاری شما برادران حل گردد." اکیهان ۲۵ مرداد و سپس "در متن کامل برنامه مندرج در کیهان ۲۶ مرداد در حالیکه مسئله مسکن و تقسیم اراضی و بتدریج مسکوت گذاشته شده است چنین می خوانیم: "قسمت و سلان در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی دولتی کردن تجارت و واردات کالاهای اساسی و پرمصرف با توجه به اصول ۲۲ تا ۴۹ همان قانون در مورد دولتی کردن بازرگانی خارجی ..." ما قبلا در شماره های پیشین بیکار راجع به "تبدیل" سخن گفته و تحلیل خود را از این رفرم ارتجاعی بیان داشته ایم ما نشان داده ایم که این رفرم، صرفنظر از جنبه های سیاسی طرفدار زمینداران که مانع از انجام آن می - باشند، اگر جنبه پیاده شود بهیچوجه قادر نیست در جهت رفاه دهقانان عمل کند و زندگی اسارت بار آنان را بهبود بخشد. این رفرم نسخه بدلی اصلاحات ارضی شاه مزدور است. در مورد مسئله مسکن توده ها خود طی دو سال و نیم گذشته بارها تجربه کرده اند که رژیم خائنه جرأتی بسا رمی آورد اما خانه سازی نمی تواند انجام دهد. زحمتکشان بارها دیده اند که خمینی و دیگر سران رژیم بارها وعده مسکن مجانی و ارزان داده اند، اما در مقابل زحمتکشان بارها شنیده اند که رژیم خمینی ما نیز رژیم شاه خائنهای جنبی و سرسپرده محقر بوده ها را در خاک نشاند و کرامت و مردم را مولد و رژیم تحریف کرده است. اما در مقابل، زحمتکشان بارها شنیده اند حکومت رژیم مفتخوار و دروغین دار جمهوری اسلامی بوتیهای وارزنده بوده ها به حساب ۱۰۰ را حاول کرده و یک خانه برای کارگران نساخته است. امروز رژیم وانمود میکند بر اساس برنامه دولتی برای زحمتکشان خانه خواهد ساخت و اجاره مسکن را ارزان خواهد نمود. اما ما مطمئن هستیم که این قول رژیم فریبکاری جدیدی نیست. ما در قسمت اول متوجه شدیم که رژیم با چه بحران عظیمی روبرو است و دیدیم که رژیم از بطرار ری شدیدا در مضیقه قرار دارد. حال رژیمی که در چنان چاهی فقط یک میلیون یک مشکل می تواند و در مقابل در پی ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق است و هزینه های عظیم جنگی و سرکوب انقلاب داخلی را در بودجه و رشکسته خود گنجانیده قادر نیست برای زحمتکشان مسکن تهیه نماید. رژیمی که با لایحه تاریخی اداراتش نه تنها در پی اخراج افراد مبارز و آگاه است بلکه در پی آن است تا با تعطیل ادارات با کاهش وسیع نیروی آنها نیروی کار خود را بیافزاید. رژیمی که با اخراج سودهای کشرد اسن آموزان آگاه و انقلابی از مدارس در پی گسترش جهل و خیره ارزی خود میباشد. رژیمی که اجازه نداده حتی یک ریال به حداقل دستمزد کارگران اضافه شود و در مقابل سود ویژه و عیدی و یک وعده نهار در کارخانه را حذف نموده است تا سرمایه داران خون - خوار و "متخصصین" و دولت بورژوازی سودهای سرشار به جیب خود اضافه نمایند. آری رژیمی که یک شبه سود توده ها را از حلقوم آنان بیرون میکشد حکومت مسئول برای زحمتکشان مسکن ارزان و مجانی نهاده نماید؟ در واقع رژیم جمهوری اسلامی به مسئولیت خود میخواهد برای طبقه کارگر و میلیونها زحمتکش شهر و روستا خانه و مسکن تهیه نماید. سرمایه داران و استثمارگران هرگز و هرگز نتوانند برای زحمتکشان رفاه و مسکن فراهم نمایند. راه واقعی و مسکن برای کارگران و سایر توده های زحمتکش فقط در حکومتی میسر است که تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران باشد.

در باره دولتی کردن تجارت خارجی سرمایه قبلا در بیکار بحث کرده ایم و ماهیت ارتجاعی و بورژوائی آن را افشا نموده ایم. امروز سردمداران جنایتکار رژیم و وزیر و سیاستهای خائن حزب توده و فداییان اکثریت همگی در پوچ و کرامی دمیدن و دولتی کردن واردات یکسری از کالاها را "کار خارق العاده و عظیم و اقدام بزرگ ضد امپریالیستی" وانمود میسازند. حال آنکه اولا در کشوری که سرمایه داری در آن حاکم و بورژوازی بر آن حکومت میکند دولتی کردن صنایع بانکها و تجارت خارجی نه چیز جدیدی از ماهیت استثمار - گرانه آنها نمی کاهد و این نهادهای دولتی کماکان ماهیت سرمایه داری خود را حفظ میکنند. مالکیت دولتی در انطباق با ماهیت طبقه حاکم قرار دارد و بنابراین دولتی کردن تجارت خارجی توسط رژیم استثمارگر حاکم هیچ تغییری برای کارگران و زحمتکشان نمی تواند داشته باشد. رویزیونیستهای خائن مدعی کوشیدند ماهیت تجارت دولتی را نهان ساخته و ندای خطرناک "مترقی" و انقلابی" بخشند. این خائنین به

←

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سوسیالیسم با این تبلیغات مزورانه در پی آنند تا زمینه مستعدتری برای نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی فراهم نمایند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در جهت منافع خاص ارباب روسی سوق دهند. به همین منظور آنان میکوشند تا هیات حاکمه ضد انقلابی را در این راه تشویق نموده و توده‌ها را بفریبند. بنابراین دولتی کردن واردات بهیچوجه اقدامی ضد امپریالیستی نیست و کماکان ماهیت سرمایه‌داران وغارتگر به خود را حفظ میکند. تا تمام در شرایطی که بحران سرایای جامعه را فرا گرفته است و رژیم حاکم مواجه با مشکلات عظیم اقتصادی و مالی میباشد دولتی کردن یک سازمان سرمایه‌داری بحساب می آید. در این شرایط رژیم میکوشد تا برای مقابله با کمبود منابع ارزی خود، برخی رشته‌های واردات را بدست گرفته تا بدین طریق قدرت مالی خویش را افزایش بخشد. بنابراین دولتی کردن یکسری از کالاهای وارداتی در ارتباط با تامین منابع مالی رژیم بورژوازی می باشد. تا سازمان رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات عظیم خود درباره "تجارت ملی" درصدد فریفتن توده‌ها و بسیج آنها به حول خود می باشد در موقعیتی که توده‌های عظیم کارگر و زحمتکش از حکومت منفور حاکم نفرت دارند و جامعه در انتظار انفجارهای ناگهانی است رژیم برای جلوگیری از انفجار بیشتر و سقوط محتوم خود به تبلیغات فریبکارانه دست میزند و با جا زدن خود به عنوان یک رژیم "ضد امپریالیست" در پی خلع سلاح نمودن توده‌ها میباشد. اما توده‌های آگاهی که بارها دروغ بودن ادعای رژیم را با تمدید قراردادهای اسارت آور از جمله با شرکتهای مزدا، تالبوت، جنرال موتورز، پتروشیمی ژاپن و غیره دیده‌اند و مشاهده کرده‌اند که رژیم در جریان گروگانگیری با بخشودن ۱۱ میلیارد دلار به امپریالیسم امریکا دوستی خود به امپریالیسم امریکا و دشمنی خود را نسبت به منافع خلق نشان داده است، فریب تبلیغات دروغین رژیم را نمی خورند. توده‌های آگاه بر اساس تجربه و آگاهی خود میدانند که دولتی کردن واردات همانند دولتی کردن بانکها و برخی منابع هیچ دردی را از انبوه دردهای عظیم آنان درمان نخواهد کرد و کماکان بستر دو تعمیق مبارزه طبقاتی تنها راه در قبال رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می باشد.

از نقطه نظر طبقه کارگر دولتی کردن اقتصاد توسط بورژوازی هیچ تغییری در وظایف اساسی انقلاب بوجود نمی آورد. دولتی کردن اقتصاد تحت حاکمیت بورژوازی شکلی از اقتصاد سرمایه داری است و هرکس غیر از این وانمود سازد فریبکار است و فریبکاران دشمنان طبقه کارگر و انقلاب اند. امروز رویزیونیستهای خیانت پیشه سرمایه‌داری دولتی را مدعی نموده و به همین لحاظ در پی تقویت گرایش منحصی در رژیم جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی می باشند که طرفدار سرمایه‌داری دولتی است. اما کمونیستها سیاست دیگری دارند. کمونیستها میدانند که رژیم حاکم با توجه به انبوه مشکلات اقتصادی و مالی و درماندگی و عجز خود نتوان از هدایت یک اقتصاد دولتی است. امروز رژیم تبلیغات فراوانی درباره دولتی کردن تجارت خارجی براه انداخته است ولی با بدبینی داشت که در اجرای همین امر کاملا عاجز است. این اقدام محتاج سرمایه‌گذاری وسیع، کادر تخصصی، مدیریت متمرکز و نیرومند بورژوائی و غیره است حال آنکه رژیم حاکم در شرایط کنونی فاقد توانائی لازم در جهت فراهم نمودن این امکانات می باشد. استیصال و درماندگی حکومت بحدی است که دولتی کردن تجارت خارجی را دشوار ساخته است و به همین خاطر همه سردمداران رژیم صحبت از "اجرای تدریجی و آرام" این طرح میکنند، ولی بهرحال باید بیان داشت در صورت برقراری اقتصاد دولتی و دولتی شدن تجارت خارجی طبقه کارگر هیچ امتیازی به بورژوازی نخواهد داد و بهیچوجه به حمایت از آن بلند نخواهد شد. از نظر طبقه کارگر سرمایه‌داری، سرمایه‌داری است و بورژوازی، بورژوازی است، حال در شکل خصوصی باشد و یا در شکل دولتی آن، برخلاف خواست ارتجاعی رویزیونیستها پرولتاریای آگاه تسلیم بورژوازی نخواهد شد و سلاح نبرد طبقاتی را همچنان سرکرده بورژوازی جنایتکار خواهد کوبید.

■ ■ ■

با توجه به آنچه گذشت در می یابیم که برنامه دولت ارتجاعی "با هنر" برنامه‌ائی در وعیدار از نه و ارتجاعی و در خدمت منافع بورژوازی حاکم است. این برنامه‌ها همانند دیگر برنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد انقلابی اش قادر نیست قدمی در راه منافع توده‌ها بردارد. برنامه "با هنر" برنامه بورژوازی است و فقط بدرد سرمایه‌داران می خورد. این برنامه، برنامه فقر و فلاکت توده‌ها و نیروهای

بقیه از صفحه ۶ شیادی ...

طی دو سال و نیم حاکمیت جمهوری اسلامی سردمداران این حکومت در هر هر نیرنگ ها و هر آنچه که پای حیات و ممات رژیم به میان آمد، نیروهای غیبی را بکمک گرفته و خصمی خود را نماینده خدا در روی زمین و کارگزار حلقی و عجولانه بجای خود خدا جا زده. احکام و فتواهائی که ما در نمود همگی ذال بر این بود که این رژیم مبعوث خداوند بوده و کارگران و زحمتکشان باید برای تثبیت آن خود را فدا کنند و با هر مخالفتی که بخواهد علیه سرمایه‌داران دست از یاد را نموده و این حکومت ستمگرانه را تبدیل به عنوان کافر و ملحد یا او بحث کنند، رفراندم رژیم جمهوری اسلامی واجب شرعی گشت، حمایت از دولت بازرگان "تکلیف شرعی" شمرده شد و طرد او نیز همینطور اعتصاب و تخصن کارگران و زحمتکشان برای احقاق حق خویش حرام و گناه نابخشودنی تلقی شده و به عنوان جنگ علیه خدا و رسول او تلقی شد کاسوتی "جهنم" و "عذاب دوزخ" همچون شمشیر داماکلس بر سر توده‌های ناآگاه قرار گرفت تا آنها به سوی صندوق های انتخابات کشیده شوند حکم کافر و ملحد برای خلق کرد مادر تدوسس بمباران شهرهای کردستان و کشتار و سرکوب خونین توده‌های خلق کرد بعنوان "لشکر شیطان و کفر" واجب شد. کشتار عام و بی سابقه کمونیست ها و انقلابیون، بطور کلی توده‌های آگاه، "واجب شرعی" شمرده شد و دستور داده شد که کمونیستها و انقلابیون مجروح را تمام کش (اجهاز) نموده و جنازه‌های آنان را بی کفن و دفن "در پرتگاهی به کوه دال اندازند.

حاسوسی، خبرچینی، تفرقه افکنی در بین کارگران و زحمتکشان و پاشاندن دستکش طبقاتی آنان، "واجب شرعی" شمرده شد و چنین مقرر شد که اگر کسی با حکومت همکاری ننماید، بعنوان "محارب با خدا و رسول او" شناخته میشود. آری اینست استبداد سرمایه بر پایه جهل و تاریکی، اینست معنای استفاده از "نیروهای غیبی" برای حاکمیت یک طبقه استثمارگر بر کارگران و زحمتکشان ما.

زمانیکه خمینی میگوید: شرکت در انتخابات و یا حاسوسی همانند خواندن نماز واجب است و سر پیچی از آن سر پیچی از دستور خداست و یا زمانیکه میگوید: "کسانیکه توبه کنند (یعنی دست از مبارزه انقلابی علیه ارتجاع بردارند) و به کارگران و زحمتکشان پشت کنند) خداوند توبه آنها را میپذیرد" جز اینست که خود را نماینده خدا و یا خود خدا میداند، و آنگاه برای آن توده ناآگاه و ملان زحمتکش عقب مانده شهری و یا روستائی که یک عمر با تعلیمات و احساسات مذهبی زیر نظر همین روحانیت خو گرفته است، چه عکس العملی ممکن است بوجود آید؟ موارد بسیاری مشاهده شده است که بسیاری از افراد ناآگاه علیرغم عدم اعتقاد خویش به حکومت بعنوان "تکلیف شرعی" بپای این صندوق آن انتخابات رفته اند. گواینکه مسلما همین توده در جریان تجربه زندگی خویش به شیادی حکومت پی برده با دین و مذهب را بکلی کنار گذاشته و یا حداقل حکومت را شیاد خواهند یافت. همانطور که تاکنون چنین شده است. اما حکومت بهر صورت سوء استفاده خویش را در وا داشتن توده‌ها با طاعت و فرمانبرداری از نظام سرمایه‌داری در فرسنه انگیزی در میان خلق در حفظ و حراست جهل و تاریکی به میزانی که کار بسیاری داشته است، برده است.

اگر حکومت بیش از این نتوانسته است، باز هم بدلیل رشد روز افزون آگاهی در توده‌ها بوده است. اگر حکومت روز بروز و بصورت مشخص امروز سرکوب همه جانبه و وحشیانه، قتل عام... را در دستور قرار داده است، نشان میدهد که سلاح فتنه انگیزی و عوامفریبی رژیم اینک بسیار کند شده است.

وحدت دین و سیاست یا رد یکدر ایران در یک نظام سرمایه‌داری پا گرفت و به اوج خویش رسید تا بقول مارکس "از همان بالا به اعماق دره تاریخ سقوط نماید". در دیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی رفتنی است. این رژیم تلفات زیادی را به خلقهای قهرمان ما تحمیل خواهد نمود، اما چه بدلیل ماهیت سرمایه‌دارانه اش و چه بدلیل خصیصه‌های قرون وسطائی اش در مقابل حرکت تاریخ، در مقابل حرکت سیل آسا و خروشان جنبش توده‌ها و در مقابل آگاهی روز افزون توده‌ها نابود خواهد شد.

جدائی دین از سیاست خواست دموکراتیک
و انکار ناپذیر انقلاب دموکراتیک ایران است!

فرزندان خلق و سرکوب انقلاب میباشد. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان فریب این برنامه ارتجاعی نخواهند خورد و برعکس این برنامه خود به اهرم دیگری در جهت تشدید تضادها و مبارزات توده‌ها تبدیل خواهد شد. امروز خمینی جلاد و همه سردمداران مکتبی و خون‌خوار حکومت و نیز نوکران دون صفت بورژوازی یعنی رویزیونیستها، کارگران و زحمتکشان به انتظار ثمرات این برنامه فرا میخوانند. همه این جنایتکاران در پی آنند تا توده‌ها را بفریبند و حکومت منفور جمهوری اسلامی که همان حکومت جهل و ترور و سرمایه است را از زیر ضربات مبارزه طبقاتی نجات بخشند، اما توده‌های آگاه مردم که تجربه دولت بازرگان، ریاست جمهوری بنی صدر، و دولت رجائی را در پشت سر خود دارند دیگر فریب این شیادان را نخواهند خورد. آنها دیگر فریب تبلیغات خمینی مکار و جلاد را نخواهند خورد. آنها به تجربه درک کرده اند که دولت لیبرال و دولت مکتبی و برنامه‌های آنان همه در خدمت سرمایه‌داران و برضد انقلاب توده‌هاست. آری طبقه کارگر و سایر مستمندیدگان ایران امروز برنامه خاص خویش را دارند. این برنامه عبارتست از ادامه انقلاب علیه بورژوازی و رژیم جهل و ترور و سرمایه جمهوری اسلامی!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ شیادی ...

بدانند. آیا چیزی مطبوع تر از این برای یک دولت استثمارگر وجود دارد که توده‌ها تصور نمایند که شورش بر علیه این حکومت بمعنای شورش بر علیه خداوند و برعکس دفاع از این حکومت و شمشیر کشیدن برای آن یعنی دفاع از خداوند و شمشیر کشیدن برای آنست. آیا چیزی مطبوع تر از این وجود دارد که توده‌ها تصور نمایند که دفاع از این حکومت ثمره‌اش "بهشت موعود" و برعکس مبارزه علیه آن عذابش "جهنم سوزان" است. آری القاء و تسلط موهومات مذهبی، استفاده وسیع از خرافات و اعتقادات دینی، از طرف طبقات استثمارگر وسیله مستقیم و موثری بوده است که توده‌ها را دا وطلبانه به انقیاد دستمگران و استثمارگران کشانده است.

ما در طول تاریخ بخصوص در عصر کنونی با موارد فراوانی مواجه هستیم که طبقات استثمارگر کوشیده‌اند حاکمیت ارتجاعی خود را امری "الهی" و "مقدس" جلوه دهند و یوغ ستم طبقاتی و ملی را که بر دوش توده‌های زحمتکش گذارده‌اند، تحت "احکام آسمانی" و مذهبی بپوشانند. سرنوشت دولت شاه که تودا میرا رحاکمیت طبقه‌ای بر طبقه دیگر بوده چنان با سوء استفاده از ناآگاهی توده‌ها پیوند خورده و چنان عواطف مذهبی توده‌ها ملعبه دست رژیم‌های ارتجاعی قرار گرفته است که در ادبیات ملل مختلف به جملات و ضرب المثل‌های گویا کوشی در پیوند ابد و بر میخوریم بجملاتی نظیر "الدین والملک توامان" (یعنی مذهب و سلطنت حکم دو قلوها را دارند) فردوسی نیز گفته است.

نی بی دین بود با شاهی بود دین بی‌پای
نه بی دین بود با شاهی بجای
چنین با سیاستان یکدیگرند
توگوئی که در زیر یک چادرند

در قرآن پادشاهی و فرمانروائی مربحا "موهبتی الهی" تا شده شده چنانکه در باره داود (پیغمبر و پادشاه بنی اسرائیل) میگوید "وآتاه الله الملک" (یعنی خداوند به او پادشاهی عطا کرد). و "زاده بسطه فی العلم والجسم" (یعنی به دانش نیرومندی جسمی او افزود) و این همان است که در قانون اساسی مشروطیت بصورت جمله "سلطنت موهبتی است الهی..." درآمده است. در سراسر تاریخ بردگی و فئودالی به نمونه پادشاهانی برمیخوریم که حتی علنا ادعای خدائی میکرده‌اند. مانند فرعون و شداد و نمرود و یا در عین پادشاه بودن خود را پیغمبر میشمرده‌اند مانند سلیمان و داود و (بقول برخی از محققین) کورش در اسلام حکومت و ریاست مذهبی و دینی معنوان "ولی امر" منطبق شده و رسمیت پیدا میکند پیغمبر اسلام و خلفا و نمایندگان آنان حکومت خویش را حکومت الهی، متکی بر اراده آسمانی و فوق بشری شمرده خود را امام و امیرالمومنین نامیده و اطاعت بی چون و چرای مردم از خود را واجب شرعی تلقی نموده و تخلف از آنرا برسیچی از فرمان خداوند و مستحق عذاب جهنم دانستند. این وضع در قرون وسطی در اروپا به اوج خود میرسد. وحدت دین و سیاست تا حس مسود، منافع پادشاهان و روحانیون علیرغم رقابتهائی که گاه سرتاحب مهم بیشتر از قدرت بین آنها وجود داشته کاملا با یکدیگر پیوند میخورد. در سرتاسر قرون وسطی که به قرون سیاه و تاریکی لقب گرفته، کلیسا و روحانیون که قدرت مطلقه اروپا بودند و تمامی املاک زمینها و ثروتهای عظیم در ید قدرت آنها بود، مدافعین سرسخت جهل و تاریکی، خرافات و اعتقادات پوسیده تاریخی بودند. چرا که حاکمیت آنان با عقب ماندگی، جهل و خرافات توده‌ها پیوند خورده بود آنان با تمام مظاهر علم، ترقی و پیشرفت و تمدن، سرجنگ داشتند سرنوشت کابلیه که بجرم اعتقاد به گردی زمین و مقابله با اعتقادات حکومت کلیسائی بپای اعدام رفت و ده‌ها و صدها انقلابی و روشنفکر آنزمان نمونه‌های روشنی از مقابله ارتجاع مذهبی با پیشرفت و تمدن بوده. دوران انگیزاسیون و تفتیش عقاید که در آن حکومت‌های کلیسائی هزاران تن را در اروپا با تمام کفر و الحاد سوزاندند از سیاه‌ترین دوران حاکمیت کلیسائی بود. در سرتاسر دوران قرون وسطی فئودالیسم سرکردگی پادشاهان و روحانیون جمع ترین سوء استفاده‌ها را از عقب ماندگی توده‌ها در جهت حاکمیت خویش نمودند. آنان به توده‌های ناآگاه قطعات بهشت را می فروختند و توده ناآگاه از همه جا بی خبر رفاه آن دنیای خویش را با پرداختن پول به روحانیون بیمه می نمودند. از دیگر نمونه‌های غم‌انگیز تاریخی جنگ‌های صلیبی است. پادشاهان و روحانیون مرتجع کلیسا در جهت کشورگشائی خویش میلیونها تن از توده‌های رنجکش را روانه بیت المقدس نمودند تا آنجا را از لوث وجود ملحدین و کفار نجات دهند. آنان چنین تبلیغ نمودند که از دکاء مسیح مقدس و "بیت الارض" بدست کفار افتاده و خداوند چنین مقرر نموده است که با بدست کفار رسیرون دادو هرکس در این راه کشته شود مستقیما به بهشت میرود. نتیجه این شد که آنها صدها هزارتن از توده‌های زحمتکش و ناآگاه را در جنگ‌های کشیفی که برای انداختند در راه مطامع غارتگرانه و کشورگشایانه خویش، قربانی نمودند.

وحدت بین دین و سیاست در دوران مافبل سرمایه‌داری صنعتی همچنان ادامه دارد و تنها همزمان با پیدایش سرمایه‌داری و تکامل مبارزه طبقاتی جدائی دین از سیاست مطرح میشود و نویسندگان بورژوازی امثال ولتر و نویسندگان دائره المعارف فرانسه بشیوه خویش دست به مبارزه با عقاید و خرافات مذهبی میزنند.

انقلاب بورژوازی سرانجام با پیروزی سرفئودالیسم حاکمیت کلیسا را پس زد و در راه شه به خدمت بگیرد. و گرفت. بورژوازی نیاز به این داشت که توده‌ها همچنان در جهل و تاریکی باقی مانده و استثمار را متحمل زات طبقاتی، اطاعت و تسلیم نسبت به خداوندگان زر و زور امری محتوم و لایتغییر تلقی شود.

هم اکنون در اروپا که سرمایه‌داری آخرین درجه تکامل خویش را گذرانده است، کلیسا در حاشیه سیاست قرار دارد اما در خدمت آنست، بورژوازی آنرا از تمامی آن عرصه‌هائی که مخل رشد و تکامل خویش بود، همانند صنعت، علوم و... بیرون راند و آنجا که در خدمت حاکمیت خویش و ادامه حیات استثمار ربرکار گرفت بود بذیرفت و بکار گرفت.

در ایران همزمان با نفوذ تمدن جدید از انقلاب مشروطه، اندیشه جدائی دین از سیاست ("لائیسیته") عمدتا در سطح روشنفکران مطرح شد و روحانیون از مراکز قدرت دور شدند. هرچه تلاشهای سرمایه‌داری در ایران بیشتر با به گرفت نفوذ سیاسی روحانیون نیز رو به تحلیل رفت و روحانیت به کنج مساجد رانده شد. اما رابطه روحانیت با سیاست هرگز قطع نشد. و روحانیت ایران تا قبل از تغییر و تحولات ۳۹ تا ۴۲ عمدتا در تائید هیئت حاکمه و دربار شاه قرار داشت و سلطنت را برای توده‌ها تائید و تشویق میکرد. سیاستهای بروجردی، کاشانی و بسیاری از روحانیون بزرگ و حتی خمینی (رجوع کنید به کتاب کشف الاسرار تالیف خمینی و نقد آن در پیکار...) تماما در جهت تائید دربار شاه بود و اگر گاه تضادهائی بین روحانیت و دربار پیش آمده است و این رابطه تکرار آب شده است، در رابطه با جنگ قدرت میان آنان بوده است که در هر صورت تلاش میشده است مرز یکدیگر را حفظ کنند در سالهای ۳۹ تا ۴۲ که در رابطه با تضادهای امپریالیستها در ایران فضای سیاسی ایران باز شد و از فشار دیکتاتوری کاسته شد، روحانیت ایران از دو موضع متفاوت با رفرمهای شاه در افتاد بخشی از روحانیت مشخصا از زاویه فئودالی مخالفت با اصلاحات ارضی شاه برخواسته به دفاع از فئودالها بلند شدند. بخشی دیگر از آن برهبری خمینی و نمایندگی خرده بورژوازی سنتی و تجار سازار علیرغم اینکه از لحاظ روبنائی همچنان بر فرهنگ فئودالی پای میفشردند و از این زاویه با تهاجم فرهنگ امپریالیستی و سرمایه‌داری مخالفت می نمودند (مخالفت با شرکت زنان در انتخابات و...) اما در مجموع مخالفت و مبارزه انقلابی خرده بورژوازی سنتی را در برابر امپریالیسم و بورژوازی وابسته منعکس می نمودند و بهمین دلیل توانستند توده‌های وسیعی را بدنبال خویش بکشانند. این بخش برای کشاندن توده‌ها به میدان سیاست با اندیشه وحدت دین و سیاست، به میدان آمده و این اندیشه را ابزار و سیاه‌ای در جهت بسیج توده‌ها در برابر دشمن خویش که همان دشمن توده‌ها نیز بود، قرار دادند و توده‌ها نیز بدلیل عقب ماندگی عمومی جامعه و بخصوص نابودی تمامی نهادها و مجاری متعارف مبارزه سیاسی توسط رژیم شاه، و نیز اینکه منبر و مسجد تنها سنگری بود که در دسترس توده‌ها قرار داشت توانستند از همین سنگر مبارزه خویش را بر علیه امپریالیسم و رژیم شاه پیش برند.

به این ترتیب صرف نظر از درکی که روحانیت از وحدت دین و سیاست داشت و سرانجام آن را به عنوان ولایت فقیه سعادت قیام عرضه نمود، آنچه توده‌ها از آن می فهمیدند عبارت از این بود که مبارزه خویش را علیه امپریالیسم و ارتجاع که میتنی بر تضاد عینی طبقاتی شان با سنت‌ها و اعتقادات کهن خویش تطبیق داده و لباس دین برای آن بپوشانند و درست از همین زاویه هم روحانیت میتوانست بر آن سوار شده و خود برای بدست گرفتن رهبری جنبش توده‌ها آنرا هرچه بیشتر به نفع خویش تبلیغ نماید.

و اما سرانجام بدلیل مخالفتی که در اینجا ضرورتی به بحث حول آن نیست، روحانیت بعد از قیام با اندیشه وحدت دین و سیاست بتدریج بر قدرت سوار شده قانون اساسی ای را حاکم کرد اینکه مشخصا در چهارچوب حاکمیت سرمایه‌داری، کامی بعقب بود. استبداد دینی با استبداد سرمایه‌داری توام گشت فجیع ترین و کثیف ترین سوء استفاده‌ها از جهل و عقب ماندگی و ناآگاهی توده‌ها، برای ادامه حیات نظام طبقاتی، شروع شد حاکمیت سرمایه‌داری وابسته اینبار بعنوان حاکمیت بی چون و چرای خداوند تلقی شد. طغیان و مخالفت بر علیه آن به مخالفت با خدا و رسول او تلقی شد دفاع از سرمایه‌داری و شمشیر زدن در راه آن، جهاد در راه خداوند تبلیغ شد. قوانین قیمیلکی و قرون وسطائی (نظیر قانون قصاص) در خدمت سرمایه‌داری قرار گرفت و به این ترتیب بار دیگر در گوشه‌ائی از جهان و اینبار در یک نظام سرمایه‌داری فجیع‌ترین جنایات و کشتار در زیر لوای دین و حاکمیت خدا و رسولش، آغاز گشت.

بقیه در صفحه ۵

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۸ سیاست ...

مکرر از تلویزیون جمهوری اسلامی ظاهر میشود و دستان رژیم خمینی را که طی ۲ ماه گذشته حداقل به خون ۷۰۰ تن از بهترین فرزندان کمونیست و انقلابی ایران آغشته است میفشارد؟ رژیمی که حتی در مناسبتهای تاریخی انقلاب فلسطین بندرت اجازه میداد که برنامه‌ای تلویزیونی و یا حضور نمایندگان سازمان آزادیبخش اجرا شود، امروز از فریبکارانه خون شهدای فلسطین و آنروی انقلاب فلسطین را وجه المصالحه قرار داده و سازمان آزادیبخش فلسطین با این سیاست خود، بر این فریبکاری صحه میگذارد.

آری، دو سال و نیم است که کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در معرض سرکوبی وحشیانه قرار دارند. بمباران و کشتار در شهرها و دهکده‌های کردستان و قتل عامهائی که با دار و کشتار دیرباسین و کفرقاسم است تنها نمونه‌ای از جنایات رژیم در سراسر ایران می باشد (اگر توجه کنید که آغاز یورش به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ زیر سرپوش "روز قدس" صورت گرفت، عمق فاجعه را عیانتر مشاهده می‌کنید). باکترین فرزندان خلقهای ایران که در مبارزه علیه رژیم شاه و در زندانهای او و پس در دوران قیام بهمن و پس از آن، تربیت شده و یک نسل انقلابی را بوجود آورده‌اند، همه روزه در گروه‌های چهل تائی و پنجاه تائی بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام سپرده میشوند که در میان اینان از کودکان ۱۲-۱۰ ساله و زن باردار تا بهترین دوستاران خلق و انقلاب فلسطین نظیر رفیق شهید ناصر محسن قاضل (سامی) قرار داشته اند که سالها در کنار رزمندگان فلسطین جنگیده و عضو سازمان آنفتح بود!

رژیم جمهوری اسلامی با بازسازی سرمایه داری وابسته، با افزودن هرچه بیشتر بر فقر کارگران و زحمتکشان، با سازش با امپریالیسم امریکا و تقدیم رایگان میلیاردها دلار از ذخائر ایران به امپریالیست‌های امریکائی، با دامن زدن و ادامه جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق و آواره کردن بیش از ۲ میلیون از هموطنان زحمتکش ما، با تصویب و اجرای وحشیانه‌ترین قوانین قرون وسطائی نظیر لایحه قصاص، با دست زدن به فجیعترین سوء استفاده از احساسات مذهبی توده‌های ناآگاه، با بستن دانشگاه‌ها و بخون کشیدن هزاران تن از انقلابیون و کمونیستها، به حیات ننگین خود ادامه میدهد... در چنین شرایطی است که نماینده شما در تهران، بر طبق سیاست حاکم بر سازمان آزادیبخش فلسطین به حمایت از رژیم خمینی برمیخیزد و از نیرنگ جدیدی که زیر عنوان "جبهه اسلامی برای آزادی فلسطین" از سوی رژیم مطرح شده پشتیبانی میکند. رژیم جمهوری اسلامی از این نیرنگ جدید چه هدفی دارد؟

امروز رژیم ارتجاعی خمینی در داخل و خارج شدیدا منفرد و منزوی گشته است و روابط آن حتی با شما، شما همین او اخر بسیار سرد بوده است، تو هم توده‌ها نسبت به رژیم بسیار برخاسته شده و تا رفاقتی و مقاومت توده‌ها علیه آن هر روز شدت بیشتری میگیرد بطوریکه رژیم دست به سرکوبی متمرکز و دیوانه‌وار روبی سابقه در تاریخ ایران زده است. در چنین شرایطی است که ضد انقلاب حاکم برای منحرف کردن اذهان توده‌ها در داخل و جلب حمایت از خارج به یک فریبکاری تازه دست زده است و پس از شیادی مسخره و رسوای "روز قدس" که "هیاهوی بسیار بر سر هیچ" بود به رذال دیگر رژیم‌های مرتجع منطقه که هرگاه تضادشان با توده‌ها به مرحله‌ای حاد و تعیین کننده میرسد، شیادانه پرچم فلسطین را بدست میگیرند و سنگ آنرا به سینه میزنند، تا خود را از خطر انقلاب توده‌ها "نجات" دهند، پیشنهاد میدهد که یک "جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم و آزادی قدس" (!) تشکیل شود و سیاست شما علیرغم آگاهی از این امر که این پیشنهاد هیچ محتوائی جز فریب و دروغ ندارد و با آن همآواز میشود و به تائید و حمایت آن میپردازد، چهره سیاه این رژیم را رنگ آمیزی میکند و سرتوهم توده‌های ناآگاهی که از ماهیت ارتجاعی و سازشهای خائنانه این رژیم آدمکش خبر ندارند میافزاید. ما قاطعانه تاکید میکنیم که توده‌های آگاه ایران که خود برای آرمان فلسطین احترام و اهمیت فراوان قائلند و در راه آن از هیچ چیز دریغ نکرده‌اند این موضعگیری شما را بهیچوجه قابل توجیه ندانسته و آنرا محکوم میکنند. انقلاب فلسطین، انقلابی است دمکراتیک - ضد امپریالیستی که هم پیمانان خود را تنها در کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی جهان میشناسد. شما با چنین سیاستی در قبال رژیمهای ضدخلقی نظیر ایران، تنها به متحدان واقعی خلق فلسطین پشت می‌کنید و در تقویت جبهه ضد انقلاب قدم برمیدارید. شما در شرایطی به حمایت از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میپردازید و چهره قاتلان خلق را رنگ آمیزی میکنید که نه در زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران علیه امپریالیسم و رژیم سفاک خمینی هر روز شدت بیشتری میگیرد و رژیم، مستاصل از مقابله با انقلاب، هر بامداد ده‌ها کمونیست و انقلابی را اعدام میکند و توده‌ها را به ضرب فتوا و حکم شرعی به جان سوبی علیه فرزندانشان وا میدارد و گنجشک زندانیان و مجروحان را مجازات میشمارد بطوریکه هم اکنون دهها هزار زندانی کمونیست و انقلابی در معرض کشتار عام قرار دارند و هیچ قانونی جز قانون سیاه جنگل و محاکم تفتیش عقاید بیرون و بسطائی بر ایران حکمفرمائی نمی کند. از نظر توده‌های آگاه و انقلابی ایران سکوت امروز شما در قبال جنایات رژیم خمینی، بهیچوجه و با هیچ بهانه دیپلماتیک، قابل توجیه نیست و تائید آن به مراتب غیرقابل توجیه‌تر!

ما هشدار میدهیم که این موضعگیری شما بیشترین لطمه را به آرمان عادلانه فلسطین در ایران وارد می سازد. ما ضمن تکرار موضع ثابت و همیشگی مان در حمایت اصولی از انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خلق فلسطین، نسبت به اقدامات و سیاست سازشکارانه - ای که سازمان آزادیبخش فلسطین در بسیاری از موارد منجمله در ایران پیش گرفته است اعتراض کرده آنرا به زیان مبارزه مشترک خلقهای ایران و فلسطین ارزیابی میکنیم.

پیروزی انقلاب در ایران و فلسطین، تنها با پیکیری انقلاب، با مبارزه با سازشکاری‌ها و دروغ‌پردازی به آرمان مشترک کارگران و زحمتکشان و انقلابیون دو کشور میسر است.

زنده باد انقلاب در ایران و فلسطین

برقرار باد همبستگی بین خلقهای ایران و فلسطین

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رژیمهای مرتجع و فریبکار منطقه

مرگ بر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۶/۲

بعد التحریر

همانطور که از تاریخ نامه پیداست، این نامه بلافاصله پس از موضعگیری سفیر فلسطین در تهران به عنوان نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین، در قبال طرح پیشنهادی رژیم جمهوری اسلامی دائر بر تشکیل "جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم" (!) نوشته شد و همانطور که گفته ایم این پیشنهاد در رژیم و سرومدا - های تبلیغاتی فریبکارانه حول آن به مثابه جزئی از سیاست رژیم برای بیرون آمدن از انزوای سیاسی که در داخل و خارج بدان دچار گردیده و نیز برای سر - پوش گذاردن بر سرکوب وحشیانه‌ای که امروز بشدت علیه انقلابیون بکار میبرد، طرح شده است.

روز پنجشنبه ۵ مرداد، تلویزیون رژیم خبری را پخش کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین "اظهارات نماینده خود در تهران را بعنوان موضع رسمی خود تلقی نمی کند" اما رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، در اطلاعیه مبهم خود روشن نکرد که خبر خرید اسلحه از اسرائیل توسط ایران را تائید میکند یا نه؟ همچنین در موضعگیری مبهم خود به بهانه "عدم دخالت در امور داخلی کشورها" توضیح نداد که در قبال اعدام - های دسته جمعی و عام خونی که رژیم در کشور ما به راه انداخته است چیست؟

اما رژیم جمهوری اسلامی که حتی از این موضعگیری مبهم و ناکافی رهبری سازمان آزادیبخش شدیدا یکه خورده بود چاره‌ای ندید که در بیان خبری که نقل کردیم اضافه کند که "توطئه کمپ دیوید" در منطقه روبه گسترش است و با این سخن موضعگیری سازمان آزادی‌بخش فلسطین را در عدم حمایت از رژیم ایران جزئی از توطئه امریکا وانمود کرد. و یکبار دیگر نشان داد که اگر مسئله فلسطین برای رژیم جمهوری اسلامی سودی در بر نداشته باشد، و نتوان آنرا علیه قرارداد سازمان آزادیبخش فلسطین، در نظر جمهوری اسلامی، "امریکائی" از آب درمیآید!

ما ضمن اینکه موضعگیری اخیر سازمان آزادی - بخش فلسطین را گامی در جهت جلوگیری از لکه‌دار شدن حیثیت انقلابی خلق فلسطین ارزیابی میکنیم آنرا مبهم و ناکافی دانسته آنرا بهیچوجه با سخن انقلابی به آنچه تبلیغات مزورانه و خیانت آمیز رژیم از مسئله فلسطین که امروزها با کستردگی و شدتی بیش از گذشته عملی میشود نمیدانیم.

تکذیب صریح حمایت فلسطین از رژیم حلاد و خونخوار خمینی و محکوم کردن جنایاتی که بدست این رژیم علیه انقلابیهای ایران و فلسطین انجام میشود حداقل انتظاری است که کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران از انقلاب فلسطین دارند.

رفقا!
با تقدیر از کمک‌های مالی شایان توجه و گرانبهای شما، کمک‌های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سیاست سازمان آزادیبخش فلسطین در قبال رژیم ایران بزیان خلقهای ایران و فلسطین

نامه سرگشاده سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین

با درودهای انقلابی به خلق قهرمان فلسطین برادران مبارز!

کسانی که این نامه را می نگارند، طی سالهائی که از عمر انقلاب فلسطین می گذرد، نزدیکترین روابط انقلابی را با انقلاب فلسطین داشته اند و در حمایت از آرمان فلسطین، جه در صحنه های مبارزاتی ایران و جه در میدانهای انقلاب فلسطین، در جبهه های جنگ در سپتامبر ۱۹۷۰ (علیه رژیم ارتجاعی ملک حسین در اردن) و در لبنان (در مقابله با صهیونیستها و فالانژیستها) و در دیگر سنگرهای انقلاب فلسطین، دوشادوش خلق رزمنده فلسطین نبرد کرده اند. سرنوشت مشترک خلقهای ایران و فلسطین و پیوند مبارزاتی آنان علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و تلاش پیگیر و مداوم آنان در راه آزادی کامل فلسطین، همواره مبین روابط بین نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران با انقلاب فلسطین، بوده است. از همین جا و تحکیم وظیفه انترناسیونالیستی است که ما امروز خود را محق می دانیم موضع سازمان آزادیبخش فلسطین در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران را مورد بحث و انتقاد قرار دهیم. سازمان ما، بتبعیت کلیه انقلابیون فلسطینی که تاکنون در جریان موضعگیری نیروهای مبارز ایرانی در قبال مساله فلسطین بوده اند، فعالانه ترین و صمیمانه ترین حمایت ها را از انقلاب فلسطین نموده است. سازمان ما بی هیچ چشمداشتی از حمایت سیاسی متقابل، به دفاع از آرمان فلسطین، شناساندن انقلاب فلسطین به کارگران و زحمتکشان ایران و افشای دشمنان نقاب دار خلق فلسطین - که رژیم جمهوری اسلامی یکی از سردمداران و فتح آنست - پرداخته و در این راه همواره کوشیده و رزمنده است. زیرا انقلاب فلسطین به مثابه یک جنبش رهائی بخش ملی جزئی از جبهه انقلاب جهانی پرولتاریاست.

برادران مبارز!

همه شما از احساسات عمیق و مداوم زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در قبال مساله فلسطین آگاهی دارید و میدانید که خلقهای قهرمان ما چگونه در برابر اشغالگران اسرائیلی از سالها پیش موضعی مبارزه جویانه داشته اند؛ از اعتراضات ضد اسرائیلی هنگام اشغال فلسطین در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) گرفته تا قطع روابط دیپلماتیک با اسرائیل در زمان دکتر مصدق، تا اعتراضات توده ای علیه روابط رژیم شاه خائن با صهیونیستها در سالهای ۴۰ و بالاخره در حمایت سیاسی و نظامی از انقلاب فلسطین و شرکت در نیروهای گوناگون خلق فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع.

این پیوند مشترک در سالهای گذشته ثمرات خود را در حمایت انقلاب فلسطین از انقلاب خلقهای ایران علیه رژیم شاه نشان میداد؛ مراکز وابسته به انقلاب فلسطین در سالهای گذشته، در هرجای دنیا، بهترین ستادهای انقلابیون ایران بود و انقلاب فلسطین انواع کمکهای سیاسی، نظامی و مادی را در اختیار انقلابیون رزمنده ایران قرار میداد.

در سالهای گذشته، با رهائی شاه خائن، مزورانه به سازمان آزادیبخش فلسطین پیشنهاد کرد که در تهران دفتری بگشاید، به این قصد که با ادعای حمایت از آرمان فلسطین، توده های مبارز ایران را فریب دهد (یعنی همان کاری که امروز رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهد) و علاوه بر آن انقلابیون ایران را از حمایت انقلاب فلسطین محروم سازد! در آنزمان نیز گرایش های سازشکارانه ای در سازمان آزادیبخش فلسطین وجود داشت که میخواست این پیشنهاد مزورانه و خائنانه را بپذیرد (!) ولی مخالفت نیروهای انقلابی و دموکرات درون این سازمان و مشورتی که این نیروها با انقلابیون ایران کردند مانع از افتادن سازمان آزادیبخش فلسطین در دام شاه گردید. ما در زمستان سال ۵۲ طی نامه ای رسمی خطاب به اداره سیاسی سازمان آزادیبخش، قاطعانه چنین سیاستی را که بمفهوم سکوت در برابر جنایات رژیم شاه خائن بود محکوم شمردیم.

برادران مبارز!

متاسفانه هم اکنون نیز ما شاهد اعمال چنان سیاستی از سوی شما هستیم. رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی، بسیار فریبکارانه تر از شاه و رژیم او، امروز آرمان فلسطین و عشق توده های ایران به آزادی فلسطین را ملعبه دستهای جنایتکار و پرسابقه خود قرار داده است. شما خود آگاهید که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هیچگونه کمک قابل توجهی (جز ادعاهای پوچ!) به انقلاب فلسطین نکرده است. با راندن سفارت فلسطین در تهران و تقدیم هرگونه کمک مادی و سیاسی و نظامی به خلق رزمنده فلسطین، خواست واقعی توده های ایران بود، همان کاری که انقلابیون ایران در سالهای گذشته میکردند ولی سیاست شما، کشاندن سفارت فلسطین را عملا "مرحمت رژیم خمینی" پنداشت و علیرغم آنچه خواست توده های انقلابی فلسطین است، کمونیستها و انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران را عملا فراموش کرد و به حمایت از رژیم خمینی برخاست. خلقهای ایران و نیروهای آگاه آن، استراتژیستند که خمینی و رژیم او با ادعای حمایت از فلسطین و فحاشی به امریکا و اسرائیل فقط قصد فریب توده ها و تثبیت حاکمیت ضدخلقی خود را دارد و بهمین دلیل است که هیچیک از انتظاراتی که مردم فلسطین از انقلاب در ایران داشتند برآورده نشده است و البته با تمام ماندن انقلاب ایران، و بدست این رژیم، آن خواستها نمی توانستند برآورده شود. رژیم خمینی با ماهیت ارتجاعی و ضدخلقی خود، تنها می تواند به سوءاستفاده از انقلاب فلسطین برای توجیه حاکمیت سیاه خویش فکر کند و بر تضادهای بین خود و توده ها سرپوش بگذارد. رژیم ایران، پا را از این حد هم فراتر گذارده و با رها علیه انقلاب فلسطین توطئه کرده که شما خود از آن باخبرید: از کوشش برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و غیرمسلمانان فلسطینی گرفته تا امر بر صدور به اصطلاح انقلاب اسلامی به فلسطین و حمایت و برور اندن سازمان ارتجاعی "امل" (که امروز بعنوان آلت دست رژیم ایران و مزاحمی برای انقلاب فلسطین جنبش ملی لبنان عمل میکند) و نیز به رسمیت نشناختن عملی سفارت فلسطین در تهران و بالاخره خرید اسلحه از اسرائیل که افتضاح آن اخیرا مشت رژیم خمینی را در سطح جهان باز کرده است. هر چند ما یکسال پیش سندی دال بر خرید پنهانی از اسرائیل توسط رژیم جمهوری اسلامی را افشا کرده به توده های ایرانی و فلسطین درباره ماهیت رژیم خمینی هشدار داده بودیم در مورد تماس نیروهای انقلابی ایرانی با سفارت فلسطین باید گفت که هیچ فرد انقلابی ایرانی امکان تماس با سفارت فلسطین در تهران را ندارد. متحدان و دوستداران واقعی خلق فلسطین اگر به سفارت مراجعه کنند از سوی عمال و جاسوسان رژیم شناسائی و بوسیله ماموران مسلح دولتی دستگیر میشوند و چه بسا اعدام در انتظارشان باشد! همچنین قاطعانه میتوان گفت که امروز هیچ چیز برای سفارت فلسطین در تهران، ممنوع تر از تماس با انقلابیون ایرانی نیست! رژیم ایران همانند کلیه فلسطین را فارغ از محتوای انقلابیش می خواهد تا بتواند از آن برای توجیه خیانتهای خود، استفاده کند.

برادران مبارز!

اکنون شنیدیم (علاوه بر آنچه گفته شد) سازمان آزادیبخش فلسطین، در چهارچوب رابطی به حمایت از رژیم ایران برمی خیزد و سفیر فلسطین، طبق کدام سیاست،

بقیه در صفحه ۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org